

# عمل خلاقه

شیوه‌ای برای هستی

ریک روبین

- تهیه‌کننده‌ی اسطوره‌ای صنعت موسیقی -

ترجمه‌ی آراز بارسقیان

عمل خلاقه

شیوه‌ای برای هستی

ریک روبین

ترجمه‌ی آراز بارسقیان

ویراسته‌ی سید حمید حیدری‌ثانی و شبنم دانشمند

مدیر تولید: کاوان بشیری

صفحه‌آرایی و آماده‌سازی: واحد تولید کتاب میلکان

چاپ اول، ۱۴۰۲

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۵۴-۴۷۹-۹



نشر میلکان

[www.Milkan.ir](http://www.Milkan.ir)

[info@Milkan.ir](mailto:info@Milkan.ir)

## همه خالق اند



آن‌هایی که در هنرهای سنتی نیستند، شاید با احتیاط به خودشان نام هنرمند بدهند. شاید خلاقیت را چیزی خارق‌العاده یا فرای توانایی خود بدانند، آن را خصوصیت عده‌ای کم بدانند که با موهبت خلاقیت به دنیا آمده‌اند.

خوشبختانه این طور نیست. خلاقیت یک توانایی نادر نیست. دسترسی به آن کار سختی نیست. خلاقیت از جنبه‌های بنیادین انسان‌بودن است، حقی که از تولد با ماست، برای تمام ماست.

خروجی خلاقیت لزوماً ساخت اثر نیست. ما روزمره با خلاقیت سروکار داریم. خلق کردن یکی به‌هستی آوردن چیزی است که پیش‌تر وجود نداشته است. شاید گفت‌وگویی باشد، راه‌حلی برای مشکلی، یادداشتی به دوستی، چیدمان دوباره‌ی اثاثیه‌ی اتاقی یا مسیر تازه‌ای برای دوری از ترافیک و رسیدن به خانه.

آنچه می‌سازید، لازم نیست شاهدهی داشته باشد، ضبط شود، فروخته شود و در ظرف شیشه‌ای قرار بگیرد تا نام اثر هنری بر آن بگذاریم. در وضعیت عادی هستی، همه‌مان سازنده‌هایی هستیم که عمیق‌ترین راه ممکن را برای خود در نظر گرفته‌ایم، سازندگان تجربه‌ی خودمان از واقعیت تشکیل‌دهنده‌ی جهانی که ادراکش می‌کنیم.

در هر لحظه، ما وارد حوزه‌ی ماده‌ای یکپارچه می‌شویم و حواس ما از آن‌ها تکه‌تکه اطلاعاتی کسب می‌کنند. عالم بیرونی که ادراکش می‌کنیم، آن‌طور نیست که ما خیال می‌کنیم؛ بلکه از یک سری واکنش‌های الکتریکی و شیمیایی درونی، دست به ساخت یک واقعیت می‌زنیم. ما دست به ساخت جنگل‌ها و اقیانوس‌ها می‌زنیم، دست به ساخت گرما و سرما. کلماتی را می‌خوانیم، صداهایی را می‌شنویم و تفسیرهایی را شکل می‌دهیم. در یک لحظه، واکنش

خود را می‌سازیم. تمام این‌ها در عالمی رخ می‌دهد که خودمان خلقش کرده‌ایم.

این به کنار که رسماً هنر می‌سازیم یا نه، ما هنرمندانی زنده‌ایم. دست به ادراک، پالایش و مجموع کردن داده‌ها می‌زنیم؛ بعد تجربه‌ای را برای خودمان و دیگران دست‌چین می‌کنیم و آن‌ها را بر اساس همین اطلاعاتی که به دست آورده‌ایم، تنظیم می‌کنیم. فرقی ندارد خودآگاه باشد یا ناخودآگاه؛ با در نظر گرفتن صرفِ همین واقعیت که زنده‌ایم، حضارانی فعال در فرایند ممتد خلق کردن به حساب می‌آییم.

زندگی به‌عنوان هنرمند، یکی داشتن شیوه‌ای است برای هستی در این جهان، شیوه‌ای برای دریافتش، تمرین توجه نشان‌دادن، پالودن حواسمان برای اینکه نُت‌های ظریف‌تری را بشنویم. به‌دنبال این باید بگردیم که چه چیزی ما را جذب خود می‌کند و چه چیزی ما را از خود دور، توجه‌کردن به اینکه آواهای احساس ایجاد می‌شود و به کجا می‌رود.

انتخابی هماهنگ برآمده از انتخابی هماهنگ: کل زندگی شما شکلی از بروزدادن خودتان است. شما به‌عنوان یک موجود خلاق در عالمی خلاق وجود دارید. شما خود یک اثر هنری تکینه هستید.

## با دقت گوش دادن



عالم را جایی در نظر بگیرید که خلاقانه است، به طور ابدی خلاقانه است و هر لحظه رو به گسترش:

درختان شکوفه می دهند.

سلول ها تکثیر می شوند.

رودخانه ها برای خود انشعاب های تازه باز می کنند.

نبض جهان با انرژی مولد می تپد و هر چیزی که روی کره ی زمین وجود دارد، انرژی خود را از همین می گیرد.

هر بروزی از این شکل ممتد خلاقه، دارد کار خود را در این عالم انجام می دهد، هر کدام به نحوی خود، صادق به تکانه ی خلاقه ی خود.

همان طور که درختان گل و میوه می دهند، بشر هم آثار هنری خلق می کند: پل گولدن گیت، آلبوم سفید از گروه بیتلز، نقاشی گئورنیکا، مسجد ایاصوفیه، مجسمه ی ابوالهول، سفینه ی فضایی، اتوبان، قطعه ی موسیقی «کیر دِلین»، کلوسیوم در شهر ژم، بیچ گوشتی فیلیس، آی پد، چیزاستیک فیلادلفیا.

به اطراف خود نگاه کنید: دست یافت های بسیاری برای تمجید وجود دارد. هر کدام انسانیت صادق به خود است، همان قدر که مرغ مگس با ساختن آشیانه به خود صادق است، درخت هلو با میوه آوری و ابر بارانی با باران زایی.

هر آشیانه، هر هلو، هر قطره ی باران و هر اثر هنری بزرگ با دیگری فرق دارد. برخی از درختان شاید به ظاهر میوه های زیباتری بدهند و برخی از انسان ها شاید به ظاهر کارهای بزرگتری نسبت به دیگران نوشته اند. ذائقه و زیبایی به نگاه بیننده بستگی دارد.

ابر چطور می داند چه موقع باید بارانش بگیرد؟ درخت از کجا می داند بهار آغاز شده؟ پرنده از کجا می داند وقت ساخت آشیانه ای تازه است؟

عالم همچون ساعت عمل می کند:

هر چیزی را

فصلی هست

و زمانی برای هر پیشنهادی زیر چتر آسمان

زمانی برای تولد، زمانی برای مرگ

زمانی برای کاشت، زمانی برای برداشت

زمانی برای کُشتن، زمانی برای درمان

زمانی برای خندیدن، زمانی برای گریستن

زمانی برای ساختن، زمانی برای خراب کردن

زمانی برای رقصیدن، زمانی برای عزاداری

زمانی برای دور انداختن سنگ‌ها

زمانی برای جمع کردن آن‌ها

ما این ریتم را جور نکرده‌ایم. ما همه در یک عمل بزرگ‌تر خلاقه دخیل هستیم، چیزی که رهبری‌اش دست ما نیست. دارند ما را راهنمایی می‌کنند. هنرمند کارش بر یک جدول زمانی کیهانی بنا شده است، درست مانند سایر بخش‌های طبیعت.

اگر ایده‌ای دارید که درباره‌اش هیجان‌زده‌اید و آن را وارد زندگی نمی‌کنید، اصلاً غیر معمول نیست که ایده‌ی شما از زبان یک سازنده‌ی دیگر بیرون بیاید. علت هم دزدیدن آن ایده توسط هنرمندی دیگر نیست. علت این است که وقت حضور آن ایده از راه رسیده است؛

در این گشودگی مداوم و بزرگ، ایده‌ها و افکار و موضوعات و ترانه‌ها و سایر آثار هنری در هوای مشترک زندگی می‌کنند و به موقع چیده می‌شوند. آن‌ها آماده‌اند که بتوانند در عالم فیزیکی بروز پیدا کنند.

مای هنرمند کارمان به صفحه‌آوردن این اطلاعات، دگرگون کردن آن و به اشتراک‌گذاری‌اش است. ما همه مترجمان پیام‌هایی هستیم که عالم دارد آن‌ها را می‌پراکند. بهترین هنرمندان آن‌هایی هستند که آنتنی حساس برای کسب انرژی و بازتابش در لحظه‌ی معین دارند. بسیاری از هنرمندان بزرگ آنتن

حساس خود را ابتدایه‌ساکن، نه برای ساختِ هنر، بلکه برای محافظت از خود ایجاد کرده‌اند. آن‌ها باید از خود محافظت کنند؛ چراکه همه‌چیز آن‌ها را بیشتر از دیگران اذیت می‌کند. آن‌ها همه‌چیز را عمیق‌تر احساس می‌کنند.



معمولاً هنر خودش را به‌شکل جنبش بروز می‌دهد. معماری باهاوس، اکسپرسیونیسم انتزاعی، سینمای موج نو فرانسه، پانک راک و شعر نسل بیت، این‌ها فقط چند نمونه از جنبش‌های همین قرن گذشته هستند. این جنبش‌ها همچون موجی به نظر می‌آیند. برخی از هنرمندان می‌توانند فرهنگ را بخوانند و خود را در جایگاه مناسب در این موج قرار بدهند. دیگران کسانی هستند که علیه جریان حرکت می‌کنند.

ما همه آنتن افکار خلاقیم. برخی از پیام‌های انتقالی قدرتمندند، برخی ضعیف. اگر آنتن شما حساس تنظیم نشده باشد، امکان از دست رفتن داده از بین سروصداهای موجود هست؛ مخصوصاً اگر پیام‌ها معمولاً ظریف‌تر از محتوایی باشد که از طریق شهود حسی مان مجموعه‌اش می‌کنیم. آن‌ها انرژی هستند، نه لمسی. ادراکی مستقیم دارند و کمتر به‌صورت خودآگاه در ما ضبط می‌شوند.

در اکثر مواقع، از طریق حواس پنج‌گانه‌مان داده‌های جهان را مجموع می‌کنیم. با اطلاعاتی که از طریق فراکانس‌های بالا منتقل می‌شوند، داریم مواد اولیه‌ی پرانرژی‌ای را طوری کانالیزه می‌کنیم که نمی‌شود به‌صورت فیزیکی یک جا جایشان داد. این کار، کنار گذاشتن منطق است، درست به همان نسبت که یک الکترون می‌تواند در آن واحد در دو مکان باشد. این انرژی گذرا ارزش زیادی دارد؛ حتی اگر آدم‌هایی که گشودگی حفظ آن را دارند، کم باشند.

چطور می‌توانیم پیامی را که نه شنیده می‌شود و نه دیده، انتخاب کنیم؟ پاسخ این است: دنبالش نگردیم. سعی هم نکنیم پیش‌بینی‌اش کنیم و تحلیلش. برعکس، ما فضای بازی می‌سازیم که اجازه‌ی حضور را به آن می‌دهد، به فضایی که آن قدر رها از وضعیت همیشه گرفتار ذهنی ماست که عملکرد یک

خلاً را پیدا می‌کند. این فضا ایده‌هایی را به خود جلب می‌کند که عالم در اختیار ما گذاشته است.

این آزادی چیزی نیست که رسیدن به آن، این قدر که خیال می‌کنیم، سخت باشد. ما همه با آن شروع می‌کنیم. در کودکی هنگام دریافت ایده‌ها و درونی‌سازی آن‌ها، تجربه‌ی دخالت ذهنی کمتری داشته‌ایم. اطلاعات تازه را با روی خوش می‌پذیرفتیم و آن‌ها را با باورهايمان قیاس نمی‌کردیم. در لحظه زندگی می‌کردیم و نگران پیامدها نبودیم. بیشتر از اینکه تحلیلی رفتار کنیم، خودانگیخته بودیم. کنجکاو بودیم و دل‌مُرده نبودیم. حتی خارق‌العاده‌ترین تجربیات زندگی را هم با همین حسی از شغف در نظر می‌گرفتیم. حضور غم عمیق و هیجان‌هایی پرتنش، شانه‌به‌شانه‌ی هم بود. خبری از جبهه‌گیری و وابستگی به یک داستان [ذهنی] نبود.

هنرمندانی که توانسته‌اند دائماً در تمام طول زندگی‌شان آثار بزرگ بسازند، معمولاً توانسته‌اند این کیفیات کودکانه را در خود حفظ کنند. این، ترمیم شیوه‌ای از هستی است که به شما اجازه می‌دهد دنیا را از چشمان فاسد نشده و معصوم کودک ببینید. می‌تواند شما را رها کند تا با جدول زمانی عالم هم‌ساز شوید.

زمان فرارسیدن ایده‌های خاص از راه می‌رسد.

آن‌ها راه خودشان

برای بروز را از طریق ما پیدا می‌کنند.



## منشأ خلّاقیت



ما با همه چیز شروع می‌کنیم:

هر چیزی که دیده می‌شود،

انجام می‌شود،

فکر می‌شود،

احساس می‌شود،

تخیل می‌شود،

فراموش می‌شود،

فراموش می‌شود

و هر چیزی که باعث از نوسدن ناگفته‌ها و نافکر شده‌های

درون ماست.

مواد اصلی ما هستند؛ از روی این، هر لحظه‌ی خلاقه‌ی بعدی را می‌سازیم.

این محتوا از درون ما نمی‌آید. منشأ آن بیرون است: حکمتی که دور ما را گرفته،

یک هدیه‌ی پایان‌ناپذیر که همیشه موجود است.

یا آن را احساس می‌کنیم، یا یادمان می‌آید، یا با آن هماهنگیم. نه تنها از

طریق تجربیاتمان به ما می‌رسد، بلکه شاید از طریق رؤیاهای، شهود،

تکه‌پاره‌های نیمه‌خودآگاه یا مسیرهایی به آن دست یابیم که هنوز برایمان

ناشناخته است، مسیرهایی که عوامل بیرونی راهشان را به درون ما باز می‌کنند.

ذهن ما خیال می‌کند این‌ها از درون می‌آیند؛ ولی این توهم است. آن‌ها

اجزای کوچکی از وسعتِ درون ما هستند. این دسته‌های ظریف، از ناخودآگاه

برمی‌خیزد؛ همچون یک بخار. و وقتی غلظت می‌گیرد، یک فکر در ما ایجاد

می‌کند.

عمل خلاقه برای هر کدام از ما معنایی خاص دارد. ریک رویین با تجربه‌ی بی‌پایان در تولید آلبوم‌ها و ترانه‌های بی‌نظیر سعی کرده از تمام تجربه‌ی خود و هنرمندانی که با آن‌ها کار کرده استفاده کند تا کتابی درباره‌ی «خلق هنرمندانه» در اختیار شما بگذارد. رویین با لحنی متین و آرام شما را با تجربه‌ی خود همراه می‌کند. با زبان زیبایی که دارد راه هنرمند را طوری برای‌تان ترسیم می‌کند که کمتر کتاب آموزشی‌ای موفق به انجامش شده. این واقعیت که خلاقیت در زندگی همه‌ی ما جایگاه ویژه‌ای دارد و تقریباً در تمام امور روزمره نمی‌توانیم بدون آن زندگی کنیم، کمک می‌کند کتاب را با گشودگی بیشتری بخوانیم. راستش در زندگی شاید چیزی مهم‌تر از خودِ خلاقیت برای مواجه‌شدن با محیط اطراف‌مان نباشد.

رویین تجربه‌ی خود را با ما در این زمینه به اشتراک می‌گذارد. او می‌داند هنرمند بودن صرفاً داشتن خروجی هنری خاص شما نیست، بلکه رابطه‌ی شما با جهان است. پس با کلامی حکیمانه که حاصل عمری تجربه است سعی می‌کند تجربه‌ای از خوانش برای شما ایجاد کند تا بتوانید بیاموزید خلق در لحظه چگونه شکل می‌گیرد. او در این مسیر سعی می‌کند عینی و عملگرایانه صحبت کند و به دور از تعارفات مرسوم، بدون اینکه سعی کند شبیه «یکی دیگر از کتاب‌های آموزشی» باشد، راهکارهای مناسبی ارائه دهد.

عمل خلاقه برخلاف عنوانش، سعی می‌کند ورای هنرمندان تمام رشته‌ها برود، کتابی که خود را به داستان‌نویس، نقاش، مجسمه‌ساز، آهنگساز و... محدود نمی‌کند و می‌تواند برای هر کسی که درگیر خلق کردن است مفید باشد.

---

«عمل خلاقه عصاره‌ی دانشی است که رویین طی دهه‌ها ضبط رکوردهای موسیقی به دست آورده. این کتاب به هر ذهن خلاق‌ی که به محرک نیاز دارد، به اندازه‌ای مناعت و اعتمادبه‌نفس می‌دهد تا بتواند مشکلاتش را بازتعریف کرده و به راه‌حل برسد.»

- گاردین

ریک رویین نه بار برنده‌ی جایزه‌ی گِرَمی شده است. او را به‌عنوان یکی از صد انسان تأثیرگذار در جهان می‌شناسند و البته مجله‌ی رولینگ استون او را موفق‌ترین تهیه‌کننده در تمام ژانرهای موسیقی می‌داند. تهیه‌کننده‌ی هنرمندانی از جمله ادل، گروه موسیقی بلک‌سبث، جانی کش، جی‌زی و... مردی که در پشت صحنه‌ی ساخته‌شدن بسیاری از آلبوم‌های موسیقی مشهور و پرفروش نقشی حیاتی داشته است.